

پرسش ۲۷۶: آیا در قرآن همسر جزو اهل بیت است؟ پرسش درباره‌ی ایمان و معصوم

السؤال / ۲۷۶:

أ: أرسلت لكم رسالة قبل شهرين لم تجيبوا عليها اعتقد إنها ليس على هواكم، سأعطيكم آيات كريمات تثبت أن آل البيت تشمل الزوجة:

الف: دو ماه پیش نامه‌ای برایتان فرستادم ولی به آن پاسخ ندادید؛ به گمانم به این دلیل بود که مطابق میل شما نبود. آیاتی از قرآن کریم را خدمت‌تان ارایه می‌دهم که ثابت می‌کند اهل بیت، زنان را نیز شامل می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم (وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ ...) [356].

بسم الله الرحمن الرحيم « و ایوب را یاد کن آن‌گاه که پروردگارش را ندا داد: به من بیماری و رنج رسیده است در حالی که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی * دعایش را اجابت کردیم و آزار را از او دور نمودیم و خاندانش را به او بازگردانیدیم » [357].

بسم الله الرحمن الرحيم (قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ) [358].

بسم الله الرحمن الرحيم « آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوar است » [359].

بسم الله الرحمن الرحيم (فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ...) [360].

بسم الله الرحمن الرحيم « چون موسی مدت را به سر آورد و با اهلش روان

شد....» ([361]).

أما عن التطهير، بسم الله الرحمن الرحيم (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ ..) ([362]).

و اما در مورد (آیهی) تطهیر: بسم الله الرحمن الرحيم « خدا نمی خواهد شما (در

رنج) افتید....» ([363]).

ب: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وبعد .. اللهم صلي على محمد وآل محمد وصحبه أجمعين.

إنكم تقولون حقاً في كثير من الأحيان، بل أنتم أفضل جماعة شيعية لكن تتفقون معهم بالسب واللعن ولن تنجو منها حتى أمهات المؤمنين، بل جعلتم قياس الإيمان هو حب علي وأولاده وليس الإيمان بالله وملائكته ورسوله واليوم الآخر.

ب: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وبعد.... اللهم صل على محمد و آل محمد و صحبه اجمعين.

شما در بیشتر مواقع، حق می گوید و حق را بر زبان می آورید و حتی شما برترین گروه از شیعیان هستید، ولی با دیگران در سب و لعن متفق و یک دل هستید؛ سب و لعنی که حتی مادران مؤمنین نیز از آن خلاصی و رهایی ندارند. شما حتی معیار ایمان را حب علی و اولاد او قرار داده اید، نه ایمان به خدا و فرشتگان و پیامبران او و روز قیامت.

المعصوم لا يخطئ فكيف خطأ النبي حاشاه وتزوج عائشة، ألم يقول الله سبحانه الخبيثون للخبيثات والطيبون لطيبات ففهموا الآية واستغفروا الله. ولنفرض إنها أخطأت مع الإمام علي هل هذا يخرجها من ملة الإسلام؟ ألم تتشرف بحضن رسول الأمة أم أنّ علي أرفع منزلة من نبيه؟ والله نحب علي وأولاده وإذا وجد أحد يبغضه فبسببكم أنتم بالغتم بحبهم إلى درجة الغلو وجعلتوهم بمنزلة الإله

يعلمون ما لم يعلم رسوله الذي اتهموا زوجه ولم يعلم إنها بريئة إلا أن برآها الله في كتابه، وأخيراً أقول ليس من أخلاق الأنبياء السب واللعن وليس من نبي مختص بجماعة دون الأخرى كما أنتم فقط وصيكم جاء للشيعه، ليس أكتب للجدال بل لمعرفة الحقيقة فسبق أن كتبت لكم ولم تجيبوا؛ لأنني كتبت من القرآن فلا جدال به.

المرسل: سهيلة - الدنمارك

از معصوم خطا و اشتباهی سر نمی زند، پس چطور پیامبر اشتباه کرد - که از ساحت او به دور است - و با عایشه ازدواج نمود؟ آیا خدای متعال نمی فرماید « مردان ناپاک برای زنان ناپاک و زنان پاک برای مردان پاک اند » ؟ در این آیه تدبر و تفقه کنید و از خدا استغفار نمایید. فرض بگیریم که عایشه در رفتار با امام علی به خطا رفت، آیا این کار باعث می شود او از دایره ی امت اسلام خارج گردد؟ آیا ایشان به هم آغوشی با پیامبر امت شرافت نیافته یا (نکند) جایگاه علی برتر و بالاتر از پیامبرش است؟! به خدا ما هم علی و فرزندان او را دوست می داریم و اگر کسی با او بغض و دشمنی دارد، به خاطر فحش های شما است. شما در این حب و علاقه به درجه ی غلو رسیده اید و آنها را به منزله ی خدایی رسانیده اید تا جایی که نسبت به آنچه پیامبرش نمی دانست، علم و اطلاع دارند؛ همان پیامبری که به همسرش تهمت زدند و پیامبر نمی دانست او بری و بی گناه است تا این که خداوند در کتابش به برائت او گواهی داد. در پایان، خاطر نشان می کنم که سب و لعن از اخلاق پیامبران نمی باشد و چنین نیست که یک پیامبر مختص یک گروه خاص باشد و لاغیر؛ آن گونه که وصی شما فقط به سوی شیعیان آمده است. من اینها را نه برای جدال و خصومت، بلکه برای شناخت حقیقت نوشته ام. قبلاً هم برای تان نامه نوشتم ولی جوابی ندادید، چون که من از قرآن نوشته ام که در آن جدال و مناقشه راهی ندارد.

فرستنده: سهيلة - دانمارک

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

أما بعد ...

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله
الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

اما بعد...

فنحن لانتهم أحد أزواج الرسول(ص) بالفاحشة (والعياذ بالله)
ونحترم كل من اتبعت وصايا الرسول محمد(ص) ولم تخرج على خليفته
الحق من بعده، فنحن نقدر خديجة وأم سلمة وأمثالهما (عليهن السلام)،
وأما بالنسبة إلى عائشة بنت أبي بكر فقد ثبت عن طريق السنة والشريعة
بأنها قتلت خليفة رسول الله(ص) علي بن أبي طالب(ع)، وراح بسبب
فتنتها آلاف القتلى والشهداء، وكانت من أشد أعداء أمير المؤمنين علي
بن أبي طالب (ع) ، وبهذا فهي ممن خالف وصايا الرسول محمد(ص)
الذي قال في حق علي بن أبي طالب (ع): (من أطاعني فقد أطاع الله عز
وجل ومن عصاني فقد عصى الله، ومن أطاع علياً فقد أطاعني ومن
عصى علياً فقد عصاني)([364]).

ما هیچ یک از همسران پیامبر(ص) را به فحشا متهم نمی کنیم (العیاذ بالله) و هر
کدامشان را که پیرو سفارش های حضرت محمد(ص) بود و بر جانشین به حق پس از
آن حضرت خروج نکرد، محترم می شماریم. ما خدیجه و ام سلمه(ع) و امثال این دو را
به پاکی می ستاییم، ولی در مورد عایشه دختر ابوبکر از طریق اهل سنت و شیعه ثابت
شده است که وی با خلیفه ی رسول خدا(ص) علی بن ابی طالب جنگید و به سبب
فتنه ی او هزاران نفر کشته و شهید شدند. عایشه از سرسخت ترین دشمنان
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) بود و بر این اساس وی جزو کسانی بود که از

وصایای پیامبر خدا حضرت محمد(ص) سرپیچی کرد؛ پیامبری که در حق علی بن ابی طالب(ع) فرمود: «هر کس از من اطاعت کند به راستی از خداوند عزوجل اطاعت کرده است، و هر کس از فرمان من سرپیچی کند به راستی از فرمان خداوند سرپیچی کرده است، و هر کس از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از فرمان علی سرپیچی کند، از فرمان من سرپیچی کرده است»([365]).

(یا عمار، إن رأيت علياً قد سلك وادياً وسلك الناس وادياً غيره فاسلك مع علي ودع الناس، إنه لن يدلك على ردي ولن يخرجك من الهدى)
([366]).

«ای عمار! اگر دیدی علی به راهی رفت و (همه‌ی) مردم به راه دیگر، تو به راهی که علی رفته است برو و مردم را واگذار؛ زیرا علی تو را به هیچ بدی راهنمایی نمی‌کند و از هدایت منحرف نمی‌سازد»([367]).

(من فارق علياً فارقتي، ومن فارقتي فقد فارق الله) ([368]).

«هر کس از علی جدا شود از من جدا شده، و هر کس از من جدا شود از خداوند جدا شده است»([369]).

(من فاركك يا علي فقد فارقتي، ومن فارقتي فقد فارق الله) ([370]).

«ای علی! هر کس از تو جدا شود از من جدا شده، و هر کس از من جدا شود از خداوند جدا شده است»([371]).

وقال الشيخ الأميني في الغدير: ج 2 ص 313: عن رسول الله(ص):
(إنّ هذا أول من آمن بي، وهو أول من يصفحني يوم القيامة، وهو

الصديق الأكبر، وهذا فاروق هذه الأمة، يفرق بين الحق و الباطل، وهذا يعسوب المؤمنين).

شیخ امینی در الغدیر ج 2 ص 313 از رسول خدا(ص) نقل نموده است: «نخستین کسی است که به من ایمان آورد، علی بود و او اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند و او صدیق اکبر و فاروق این امت است که جداکننده بین حق و باطل می باشد، و پیشوای اهل ایمان است».

قال الشيخ الأميني في الغدير: ج 2 ص 313: أخرج الطبراني عن سلمان وأبي ذر. والبيهقي والعدني عن حذيفة. والهيثمي في المجمع: ج 9 ص 102، والحافظ الكنزي في الكفاية 79 من طريق الحافظ ابن عساكر وفي آخره، وهو: (بابي الذي أوتى منه وهو خليفتي من بعدي) وذكره باللفظ الأول المتقي الهندي في إكمال كنز العمال: ج 6 ص 5.

شیخ امینی در الغدیر ج 2 ص 313 گفته است: طبرانی از سلمان و ابوذر و همچنین بیهقی و عدنی از حذیفه و هیثمی در مجمع ج 9 ص 102 و حافظ کنجی در کفایة ص 79 از طریق حافظ ابن عساکر و دیگران نقل نموده اند که: «.... دروازه ی من است که از طریق او نزد من می توان آمد و او جانشینم پس از من می باشد» و با لفظ «اولین فرد» متقی هندی در اكمال كنز العمال ج 6 ص 5 ذکر نموده است.

وفي مسند أحمد: (وخرج بالناس في غزوة تبوك، قال: فقال له علي: أخرج معك، قال: فقال له نبي الله: لا، فبكى علي فقال له: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هرون من موسى إلا أنك لست بنبي، إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفتي، قال: وقال له رسول الله: أنت وليي في كل مؤمن بعدي)([372]).

در مسند احمد آمده است: پیامبر در غزوه‌ی تبوک با مردم عازم نبرد بود. علی به آن حضرت گفت: «اجازه می‌دهید در این نبرد همراه شما باشم؟» پیامبر (ص) فرمود: «خیر». علی گریست. پیامبر (ص) فرمود: «آیا راضی نیستی تو نسبت به من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی باشی جز این که تو پیامبر نیستی. شایسته نیست که من به میدان نبرد بروم مگر این که تو خلیفه و جانشین من باشی». گفت: پیامبر خدا به او فرمود: «تو بعد از من ولی و سرپرست هر مؤمنی خواهی بود» ([373]).

وفي مجمع الزوائد: عن ابن عباس قال: (لما زوج النبي صلى الله عليه وآله) وسلم علياً فاطمة، قالت فاطمة: يا رسول الله زوجتني من رجل فقير ليس له شيء، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أفما ترضين يا فاطمة أن الله اختار من أهل الجنة رجلين أحدهما أباك والآخر زوجك؟) ([374]).

در مجمع الزوائد آمده است: ابن عباس گفت: هنگامی که پیامبر (ص) فاطمه را به همسری علی در آورد، فاطمه گفت: «ای رسول خدا! مرا به همسری مردی فقیر که چیزی ندارد درآورده‌ای!» پیامبر (ص) فرمود: «ای فاطمه! آیا خوشنود نیستی که خداوند از اهل بهشت دو مرد را برگزید، که یکی پدرت و دیگری همسر تو می‌باشد؟» ([375]).

وفي كنز العمال: (من أحب أن يحيى حياتي ويموت ميتتي ويدخل الجنة التي وعدني ربي قضباناً من قضبانها غرسها بيده وهي جنة الخلد، فليتول علياً وذريته من بعده، فإنهم لن يخرجوكم من باب هدى ولن يدخلوكم في باب ضلالة) ([376]).

در کنز العمال آمده است: «هر کس که بخواهد زندگیش همانند زندگی من و مرگش همچون مرگ من باشد، و در بهشتی که پروردگارم مرا وعده داده است مانده شاخه‌ای

از شاخه‌هایش که با دست خویش آن را کاشته است که همان بهشت جاوید است، وارد شود، از علی و بعد از او از فرزندانش پیروی کند، چرا که آنها هرگز شما را از مسیر هدایت خارج نمی‌کنند و هرگز شما را وارد گمراهی نخواهند کرد» ([377]).

وفي كنز العمال: (يا بريدة، إنّ علياً وليكم بعدي فأحب علياً فإنه يفعل ما يؤمر) ([378]).

در کنز العمال آمده است: «ای بریده! همانا علی، ولیّ شما بعد از من خواهد بود، پس علی را دوست بدار که او آنچه را که به آن مامور باشد، انجام می‌دهد» ([379]).

وفي كنز العمال: (سيكون بعدي فتنة فإذا كان ذلك فألزموا علي بن أبي طالب فإنه الفاروق بين الحق والباطل) ([380]).

و همچنین در کنز العمال: «پس از من فتنه‌ای رخ خواهد داد؛ پس اگر چنین شد، تنها از علی بن ابی‌طالب پیروی کنید چرا که او جداکننده‌ی بین حق و باطل است» ([381]).

وفي كنز العمال: (يا عمار، إنّ رأيت علياً قد سلك وادياً وسلك الناس وادياً غيره فاسلك مع علي ودع الناس، إنه لن يدلك على ردي ولن يخرجك من الهدى) ([382]).

و در کنز العمال: «ای عمار! اگر دیدی علی به راهی رفت و مردم به راه دیگر، تو به راهی که علی رفته است برو و مردم را واگذار؛ زیرا او تو را به هیچ بدی راهنمایی نمی‌کند و از هدایت منحرف نمی‌سازد» ([383]).

وَأَمَّا كُونَ عَائِشَةَ زَوْجَةَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَهَذَا لَا يَعْنِي كُونَهَا مَقْدَسَةً
أَوْ مَعْصُومَةً عَنِ الضَّلَالِ، بِدَلِيلِ أَنَّ الْقُرْآنَ نَصَّ عَلَى ضَلَالِ نِسَاءِ بَعْضِ
الأنبياء:

اما این که عایشه، همسر پیامبر خدا(ص) بوده است، به این معنا نیست که دارای
تقدّس یا عصمت از گمراهی بوده است، به این دلیل که قرآن بر گمراهی زنان برخی
انبیا تصریح دارد:

(ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ
مِنْ عِبَادِنَا. صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا
النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ) [384].

« خدا برای کافران مَثَلِ زن نوح و زن لوط را می آورد که هر دو در نکاح دو تن از
بندگان صالح ما بودند و به آن دو خیانت ورزیدند و آنها نتوانستند از زنان خود دفع عذاب
کنند و گفته شد: با دیگران به آتش درآید » [385].

(قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ) [386].

« گفت: لوط در آنجا است. گفتند: ما بهتر می دانیم چه کسی در آنجا است، او و
خاندانش را جز زنش که از بازماندگان خواهد بود، نجات می دهیم » [387].

(وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا
تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ) [388].

« چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، غمگین شد و در کارشان بماند. گفتند: مترس و غمگین مباش، ما، تو و خاندانت را جز زنت که از بازماندگان می باشد، نجات می دهیم » ([389]).

فلو كانت الآية التي ذكرتها وهي: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) ([390]). تعني أن النبي لا يمكن أن يتزوج إلا صالحه الظاهر والسريرة كما فهمتي أنت ذلك، فهذا رد على القرآن الذي يثبت أن بعض نساء الأنبياء ضالات ومصيرهن إلى جهنم وبئس المصير.

اگر آیه ای که شما به آن اشاره کرده ای، یعنی: « ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای ناپاک و پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای پاک، آنها از آنچه درباره شان می گویند منزهند، آمرزش و رزق نیکو برای آنها است » ([391])، به این معنا باشد که پیامبر فقط می تواند با زنی که ظاهر و باطنی شایسته دارد ازدواج کند -طبق درک شما- در این صورت این تعبیر ردیه ای است بر قرآن است زیرا قرآن ثابت کرده که برخی زنان پیامبران گمراه بوده اند و سرانجام آنها جهنم بوده که بد سرانجامی است.

ثم إنه قد ورد تفسير لهذه الآية عن أبناء العامة يقول بأن المقصود بالخبيثات هو الكلام السيء والطيبات هو الكلام الطيب، وإليك نص التفسير مع مصدره:

علاوه بر این، اهل سنت در تفسیر این آیه گفته اند که مراد از «خبیثات» کلام ناپسند و منظور از «طیبات» کلام طیب است. متن تفسیرها به همراه منبع آنها را به شما عرضه می دارم:

جاء في المعجم الكبير للطبرانی: ج 23 ص 157 – 159: عن سلمة بن نبيط عن الضحاک بن مزاحم، في قوله الخبيثون للخبيثات قال: الخبيثات من القول للخبيثين من الناس، وفي قوله: الطيبات للطيبين، قال: الطيبات من القول للطيبين من الناس، حدثنا عبد الله بن محمد بن سعيد بن أبي مریم ثنا محمد بن يوسف الفريابي ثنا ورقاء، عن بن أبي نجیح عن مجاهد في قوله الطيبات والخبيثات، قال: هو القول السيئ والحسن فالقول الحسن للمؤمنين والقول السيئ للكافرين.

در معجم كبير طبرانی: ج 23 ص 157 تا 159 آمده است: از سلمة بن نبيط از ضحاک بن مزاحم در مورد «الخبيثون للخبيثات» آمده است: «الخبيثات» از سخن «للخبيثين» از مردم و در مورد «الطيبات للطيبين»: «الطيبات» از سخن «للطيبين» از مردم. عبدالله بن محمد بن سعيد ابی مریم ثنا محمد بن يوسف فريابي ثنا ورقا، از ابی نجیح از مجاهد در مورد «الطيبات و الخبيثات» نقل شده است: اشاره به سخن ناشايست و سخن نیکو می باشد که سخن نیکو برای مومنين و سخن ناشايست برای کافرين است.

حدثنا أبو خليفة ثنا محمد بن عبيد بن حساب ثنا محمد بن ثور، عن معمر، عن بن أبي نجیح، عن مجاهد في قوله الخبيثات للخبيثين، قال: الخبيثات من الكلام للخبيثين من الناس والخبيثون من الناس للخبيثات من الكلام، والطيبات من الكلام للطيبين من الناس والطيبون من الناس للطيبات من الكلام.

ابو خلیفه ثنا محمد بن عبيد بن حساب ثنا محمد بن ثور، از معمر از ابی نجیح از مجاهد در مورد «الخبيثات للخبيثين» نقل شده است: «الخبيثات» از سخن برای «خبيثين» از مردم و «خبيثهای» مردم برای «خبيثهای» از سخن و سخنان پاک برای مردم پاک و مردمان پاک برای سخنان پاک.

حدثنا علي بن المبارك الصنعاني ثنا يزيد بن المبارك ثنا محمد بن ثور، عن ابن جريح، عن مجاهد في قوله: الخبيثات للخبيثين والطيبات للطيبين، قال: القول السوء والقول الحسن للمؤمن الحسن وللکافر السيء.

علی بن مبارک صنعانی ثنا یزید بن مبارک ثنا محمد بن ثور، از ابن جریح از مجاهد در مورد «الخبيثات للخبيثين و الطيبات للطيبين» گفته است: سخن ناشایست و سخن نیکو که برای مومن، نیکو و برای کافر، ناشایست می باشد.

حدثنا عبد الرحمن بن سالم الرازي ثنا سهل بن عثمان ثنا علي بن مسهر ومروان بن معاوية، قالوا: حدثنا عبد الملك بن أبي سليمان، عن القاسم بن أبي بزة، عن سعيد بن جبیر، في قوله: الخبيثات للخبيثين والطيبات للطيبين، قال: الخبيثات من القول للخبيثين من الناس والطيبات من القول للطيبين من الناس.

عبد الرحمن بن سالم رازی ثنا سهل بن عثمان ثنا علی بن مسهر و مروان بن معاویه که گفته اند: عبد الملك بن ابی سلمان از قاسم بن ابی بزه از سعید بن جبیر در مورد «الخبيثات للخبيثين و الطيبات للطيبين» گفته است: «الخبيثات» از سخنان ناپاک مردم و «الطيبات» از سخنان پاک و نیکوی مردم.

حدثنا زكريا بن يحيى الساجي ثنا أحمد بن إسحاق الأهوازي ثنا أبو أحمد الزبيري ثنا حسن بن صالح، عن عبد الملك بن أبي سليمان، عن القاسم بن أبي بزة، عن مجاهد أو سعيد بن جبیر في قوله الخبيثات للخبيثين، قال: الخبيثات من القول للخبيثين من الناس والطيبات من القول للطيبين من الناس.

زکریا بن یحیی ساجی ثنا احمد بن اسحاق اهوازی ثنا ابو احمد زبیری ثنا حسن بن صالح، از عبد الملك بن ابی سلیمان از قاسم بن ابی بزه از مجاهد یا سعید بن جبیر در

مورد «الخبیثات للخبیثین» نقل شده است: «الخبیثات» از سخنان خبیث مردم و «الطیبات» از سخنان پاک مردم.

حفص بن الصالح، عن عبد الله بن مسلم بن هرمز، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس في قوله الخبيثات للخبیثین، قال: القول الخبيث للخبیثین من الناس والطیبات للطیبین، قال: القول الطيب للطیبین من الناس. انتهى كلام الطبراني.

حفص بن صالح از عبدالله بن مسلم هرمز از سعید بن جبیر از ابن عباس در مورد «الخبیثات للخبیثین» نقل نموده است: سخنان ناشایست از مردمان ناشایست و در مورد «الطیبات للطیبین» گفته است: سخنان نیکو از مردمان نیکو. انتهای کلام طبرانی.

وقد يكون المراد من الخبيثات والطیبات نساء خاصات في زمن الرسول(ص) أو نساء محددات بصفات معينة، لا كون الكلام عاماً.

منظور از «خبیثات» و «طیبات»، می‌تواند زنانی به خصوص در زمان پیامبر(ص) یا گروهی از زنان مشخص که ویژگی‌های معینی داشته‌اند، باشد و این کلام، عام را شامل نشود.

فمن أين لك أن تفسري القرآن حسب هواك !!؟

شما از کجا چنین حقی یافته‌ای که قرآن را طبق خواست و میل خودت تفسیر

کنی؟!؟

وعلیٰ ای حال فهمک للآیة مخالف للقرآن الکریم الذی ذکر أنّ الأنبیاء
قد تزوجوا بنساء هن من أهل النار.

به هر حال آنچه شما از این آیه می‌فهمی، با قرآن کریم که متذکر شده است که
پیامبران با زنانی از اهل آتش ازدواج کرده‌اند، در تعارض می‌باشد.

وأما بالنسبة إلى أهل بیت النبي واختصاص علي بن أبي طالب
وذريتهما بذلك فهو ثابت عن طریق السنة والشيعة، وسأذكر لك ما روي
عن أبناء العامة لتكون الحجة عليك أكد:

و اما درباره‌ی اهل بیت پیامبر و تخصیص علی بن ابی طالب و نسل این دو به آن،
این موضوعی است که از طریق اهل سنت و شیعه ثابت شده است. آنچه را که توسط
اهل سنت روایت شده است برایتان بیان می‌دارم تا حجت بر شما محکم‌تر باشد:

روی أحمد في مسنده: عن علي بن زيد، عن أنس بن مالك، أن
النبي(ص) كان يمر ببیت فاطمة ستة أشهر إذا خرج إلى الفجر فيقول:
(الصلاة يا أهل البيت، إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت
ويطهركم تطهيراً) [392].

احمد در مسند خود از علی بن زید از انس بن مالک روایت کرده است که
پیامبر(ص) هنگامی که برای نماز صبح خارج می‌شد، به مدت شش ماه از جلوی
خانه‌ی فاطمه می‌گذشت و می‌فرمود: «نماز ای اهل بیت! (ای اهل بیت، خدا
می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید، پاک دارد)» [393].

وروی أيضاً: عن شداد أبي عمار، قال: دخلت على وائلة بن الأسقع
وعنده قوم فذكروا علياً، فلما قاموا قال لي: ألا أخبرك بما رأيت من
رسول الله(ص)؟ قلت: بلى، قال: أتيت فاطمة (رضي الله تعالى) عنها

أسألها عن علي، قالت: توجه إلى رسول الله(ص)، فجلست أنتظره حتى جاء رسول الله(ص) ومعه علي وحسن وحسين (رضي الله تعالى عنهم) أخذ كل واحد منهما بيده حتى دخل، فأدنى علياً وفاطمة فأجلسهما بين يديه وأجلس حسناً وحسيناً كل واحد منهما على فخذه ثم لف عليهم ثوبه أو قال: كساء، ثم تلا هذه الآية: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)، وقال: (اللهم هؤلاء أهل بيتي وأهل بيتي أحق) [394].

همچنین روایت کرده است: از شداد ابی عمار نیز روایت شده است که گفت: بر وائلة بن اسقع وارد شدم و گروهی نزد او بودند که درباره‌ی علی صحبت می‌کردند. هنگامی که برخاستند به من گفت: آیا تو را به چیزی که از رسول خدا(ص) دیدم باخبر نسازم؟ گفتم: آری. گفت: نزد فاطمه(ع) رفتم و سراغ علی را از او گرفتم. گفت: «به سوی پیامبر خدا(ص) رفته است». نشستم و منتظر او بودم تا این که پیامبر خدا(ص) آمد و علی و حسن و حسین (رضی الله تعالی عنهم) با او بودند در حالی که دست هر یک از آنها را گرفت بود تا داخل شد. علی و فاطمه را نزدیک خود طلبید و آن دو را پیش روی خود نشانید و حسن و حسین را هر یک بر رانش نشانید سپس آنها را زیر لباسش - یا گفت عبایش - گرد آورد و این آیه را تلاوت فرمود: «ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید، پاک دارد» و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی و اهل بیتی احق» (خداوند! اینها اهل بیت من هستند و اهل بیت من سزاوارند) [395].

وروی أيضاً: عن عطاء بن أبي رباح، قال: (حدثني من سمع أم سلمة تذكر إن النبي(ص) كان في بيتها، فأتته فاطمة ببرمة فيها خزيرة فدخلت لها عليه، فقال لها: ادعى زوجك وابنيك، قالت: فجاء علي والحسين والحسن فدخلوا عليه فجلسوا يأكلون من تلك الخزيرة وهو على منامة له على دكان تحته كساء له خيبري، قالت: وأنا أصلي في الحجرة، فأنزل الله

عز وجل هذه الآية: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) قالت: فأخذ فضل الكساء فغشاهم به ثم أخرج يده فألوى بها إلى السماء، ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي وخاصتي، فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً، اللهم هؤلاء أهل بيتي وخاصتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً، قالت: فأدخلت رأسي البيت فقلت وأنا معكم يا رسول الله؟ قال: إنك إلى خير إنك إلى خير) ([396]).

همچنین نقل نموده است: از عطاء بن ابی رباح که گفت: کسی که از ام سلمه شنیده بود برای من نقل نمود که نبی اکرم (ص) در خانه‌ی ام سلمه بود که فاطمه با ظرفی که در آن حریره بود وارد شد. رسول خدا (ص) به او فرمود: همسر و دو فرزندت را بخوان که پیش من آیند. علی و حسن و حسین آمدند و نشستند و از آن حریره خوردند. رسول اکرم (ص) بر سکویی نشسته بود و زیر پای ایشان عبایی خیبری بود. ام سلمه می‌گوید: من در اطاق خود نماز می‌خواندم که خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». ایشان باقیمانده‌ی عبا را گرفت و آنها را به وسیله‌ی عبا پوشاند. آنگاه دست‌های خویش را به آسمان بلند کرد و فرمود: «پروردگارا! اینان اهل بیت و یاران خاص من هستند، از آنان پلیدی را ببر و پاکشان گردان. پروردگارا! اینان اهل بیت و یاران خاص من هستند، از آنان پلیدی را ببر و پاکشان گردان». من سر خود را داخل اطاق کردم و عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من هم با شما هستم؟ فرمود: «توبه خیر هستی. توبه خیر هستی» ([397]).

عن مصعب بن شيبه، عن صفية بنت شيبه، قالت: قالت عائشة: (خرج النبي (ص) غداً وعليه مرط مرحل من شعر أسود، فجاء الحسن بن علي فادخله، ثم جاء الحسين فدخل معه، ثم جاءت فاطمة فأدخلها، ثم جاء علي فادخله، ثم قال: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) ([398]).

از مصعب بن شیبہ از صفیة بن شیبہ کہ گفت: عایشہ گفت: پیامبر(ص) خارج شد در حالی کہ روی او ردایی از موی سیاه بود. حسن بن علی آمد، او را داخل نمود. حسین آمد، او را نیز داخل نمود. سپس فاطمہ آمد و او را نیز داخل نمود. سپس علی آمد و او را نیز داخل نمود، سپس گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» ([399]).

وروی الحاکم عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، عن أبيه، قال: (لما نظر رسول الله(ص) إلى الرحمة هابطة قال: ادعوا لي ادعوا لي، فقالت صفية: من يا رسول الله؟ قال: أهل بيتي علياً وفاطمة والحسن والحسين، فجئني بهم فألقى عليهم النبي(ص) كساءه ثم رفع يديه ثم قال: اللهم هؤلاء آلي فصل على محمد وعلی آل محمد، وأنزل الله عز وجل: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)) ([400]).

حاکم از اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از پدرش نقل نموده است کہ گفت: هنگامی کہ رسول خدا(ص) مشاهده فرمود کہ رحمت خداوندگار در حال فرود آمدن است، فرمود: «به سوی من بخوانید! به سوی من بخوانید!». صفیہ گفت: چه کسی را ای رسول خدا؟ فرمود: «اهل بیت من علی، فاطمہ، حسن و حسین را». آن گاه کہ ایشان آمدند پیامبر اکرم «کسای» (ردای) خویش را بر آنها افکند و سپس دستهایش را بلند کرد و فرمود: «خداوندا! اینان آل من هستند پس بر محمد و آل محمد درود فرست». خداوند متعال هم این آیه را فرو فرستاد «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» ([401]).

وروی الترمذي عن عطاء، عن عمر بن أبي سلمة ربيب النبي(ص)، قال: (نزلت هذه الآية على النبي(ص)) (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) في بيت أم سلمة، فدعا النبي(ص) فاطمة

وحسناً وحسيناً فجللهم بكساء و علي خلف ظهره فجلله بكساء ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً. قالت أم سلمة: وأنا معهم يا رسول الله؟ قال: أنت على مكانك وأنت إلى خير (ص) [402].

ترمذی از عطاء از عمر بن ابی سلمه پسر خوانده‌ی پیامبر (ص) نقل کرده است که گفت: این آیه در خانه‌ی ام سلمه بر پیامبر (ص) نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». پیامبر (ص) فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و ردا را روی آنها کشید و علی نیز پشت سرش بود که ردا را روی او نیز کشید. سپس فرمود: «خداوندا! اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها بزداد و پاکشان گردان». ام سلمه گفت: آیا من نیز با آنها هستم ای رسول خدا (ص)؟ فرمود: «تو جایگاه خودت را داری و بر خیر می باشی» [403].

ولا يخفى ما في الأحاديث وخصوصاً الحديث الأخير من دلالة حصر آل البيت في علي وفاطمة وذريتهما (ع) بحيث لم يشمل أم سلمة (ع) زوجة الرسول محمد (ع)، ولدينا مزي.

پوشیده نیست که این احادیث و به ویژه حدیث آخر دلالت بر محصور بودن آل البيت بر علی و فاطمه و نسل این دو (ع) دارد، به طوری که حتی ام سلمه، همسر حضرت رسول (ص) را نیز شامل نشده است که البته دلایل بیشتری نیز وجود دارد.

وأخيراً أسأل الله لك الهداية والإنابة إلى الصواب. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي

در پایان، از خداوند برای شما هدایت و بازگشت به صواب را مسئلت می‌نمایم.
و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و
سلم تسليماً كثيراً.

هیأت علمی - انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقیلی

[356] - الأنبياء: 83 - 84.

[357] - انبياء: 83 و 84.

[358] - هود: 73.

[359] - هود: 73.

[360] - القصص: 29.

[361] - قصص: 29.

[362] - المائدة: 6.

[363] - مائدة: 6.

[364] - نقله الحاکم النيسابوري في مستدرکه وشهد بصحة سنده، راجع المستدرک: ج 3 ص 121، وبنفس المضمون المستدرک: ج 3 ص 128، وأيضاً شهد الحاکم بصحة سنده، ونقل السيد عبد الحسين شرف الدين عن الذهبي في تلخيصه شهادته بصحة سند هذا الحديث. كنز العمال - المتقي الهندي: ج 11 ص 614.

[365] - این حدیث را حاکم نیشابوری در مستدرک خود نقل نموده و به صحت سندش شهادت داده است. رجوع کنید به: المستدرک: ج 3 ص 121 و با همین مضمون در المستدرک: ج 3 ص 128. همچنین حاکم به صحت سندش نیز شهادت داده است و سید عبد الحسين شرف الدين از ذهبی در تلخیصش به صحت سند این حدیث شهادت داده است. كنز العمل - متقی هندی: ج 11 ص 614.

[366] - كنز العمال - المتقي الهندي: ج 11 ص 613.

[367] - كنز العمل - متقی هندی: ج 11 ص 613.

[368] - المعجم الكبير للطبراني: ج 12 ص 323، كنز العمال - المتقي الهندي: ج 11 ص 614.

[369] - المعجم الكبير طبرانی: ج 12 ص 323 ؛ كنز العمل - متقی هندی: ج 11 ص 614.

[370]- نقله بنفس المضمون الحاكم النيسابوري في مستدرکه وشهد بصحة سنده، وهذا نصه: (عن أبي ذر (رضي الله عنه) قال: قال النبي (ص): (يا علي، من فارقني فقد فارق الله ومن فارقك يا علي فقد فارقني) صحيح الإسناد ولم يخرجاه، المستدرک للحاکم النيسابوري: ج 3 ص 123 - 124، وذكره الهيتمي في مجمع الزوائد: ج 9 ص 135 باب الحق مع علي، وشهد الهيتمي بان رجال سنده ثقة، كنز العمال - المتقي الهندي: ج 11 ص 614.

[371]- با همین مضمون حاکم نیشابوری در مستدرکش نقل نموده و بر صحت سندش گواهی داده است. متن او چنین است: «از ابو ذر (رضي الله عنه) که گفت: پیامبر (ص) فرمود: **ای علی! کسی که از من جدا شود، از خداوند جدا شده و کسی که از تو جدا شود ای علی، از من جدا شده است**» سندش صحیح است و در آن خدشه‌ای نیست. مستدرک حاکم نیشابوری: ج 3 ص 123 و 124. هیثمی نیز آن را در مجمع الزوائد ج 9 ص 135 در باب «حق به همراه علی است» ذکر کرده و هیثمی گواهی داده است که رجال سندش ثقه (موتق) هستند. کنز العمل - متقی هندی: ج 11 ص 614.

[372]- مسند أحمد: ج 1 ص 331، وأخرجه الحاكم النيسابوري في مستدرکه وشهد بصحة سنده، راجع المستدرک: ج 3 ص 133 - 134، وأخرجه الهيتمي في مجمع الزوائد: ج 9 ص 119 - 120 باب جامع في مناقب علي (ع)، وقال الهيتمي عن هذه الحديث: رواه أحمد والطبراني في الكبير والأوسط باختصار ورجال أحمد رجال الصحيح غير أبي بلج الفزاري وهو ثقة وفيه لين.

[373]- مسند احمد: ج 1 ص 331 و حاکم نیشابوری در مستدرکش آن را ذکر نموده و به صحت سندش گواهی داده است؛ رجوع نمایید به مستدرک: ج 3 ص 133 و 134. همچنین هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 119 و 120 باب «در مناقب علی (ع)» آن را ذکر نموده و در مورد این حدیث گفته است: احمد و طبرانی آن را در الكبير و الأوسط به اختصار روایت نموده‌اند و رجال احمد، صحیح‌اند غیر از ابوالفلج الفزاری که او ثقه و لین است.

[374]- مجمع الزوائد للهيتمي: ج 9 ص 112، المعجم الكبير للطبراني: ج 11 ص 77.

[375]- مجمع الزوائد هيتمي: ج 9 ص 112 ؛ معجم كبير طبرانی: ج 11 ص 77.

[376]- أخرجه الحاكم النيسابوري في مستدرکه وشهد بصحة سنده، المستدرک: ج 3 ص 128، كنز العمال للمتقي الهندي: ج 11 ص 611

[377]- این حدیث را حاکم نیشابوری در مستدرک خود آورده و به صحت سندش گواهی داده است؛ مستدرک: ج 3 ص 128 ؛ كنز العمال متقی هندی: ج 11 ص 611.

[378]- وأخرجه ابن عساكر في تاريخ مدينة دمشق: ج 42 ص 191، كنز العمال للمتقي الهندي: ج 11 ص 612.

[379]- ابن عساكر نیز آن را در تاریخ دمشق ذکر کرده است: ج 42 ص 191 ؛ كنز العمال متقی هندی: ج 11 ص 612.

[380]- كنز للعمال للمتقي الهندي: ج 11 ص 612.

[381]- كنز العمال متقی هندی: ج 11 ص 612.

[382]- كنز للعمال للمتقي الهندي: ج 11 ص 613.

[383]- كنز العمال متقی هندی: ج 11 ص 613.

[384]- التحريم: 10.

[385]- تحريم: 10.

[386]- الصافات: 32.

- [387] - صافات: 32.
- [388] - الصافات: 33.
- [389] - صافات: 33.
- [390] - النور: 26.
- [391] - نور: 26.
- [392] - مسند أحمد: ج 3 ص 259.
- [393] - مسند أحمد: ج 3 ص 259.
- [394] - مسند أحمد: ج 4 ص 107.
- [395] - مسند أحمد: ج 4 ص 107.
- [396] - مسند أحمد: ج 6 ص 292.
- [397] - مسند أحمد: ج 6 ص 292.
- [398] - صحيح مسلم: ج 7 ص 130.
- [399] - صحيح مسلم: ج 7 ص 130.
- [400] - المستدرک للحاکم النيسابوري: ج 3 ص 147.
- [401] - مستدرک حاکم نيشابوری: ج 3 ص 147.
- [402] - سنن الترمذي: ج 5 ص 328.
- [403] - سنن ترمذی: ج 5 ص 328.